

متن پرسش

سلام استاد عزیز: ۱. شما را آزاد اندیش و روشنفکر دینی می دانم. ۲. احساسم این است که پامبری ها و اطرافیان و هم مباحثه های ضعیف انسان را راکد می کنند. ۳. فکر می کنم خیلی سخت مطالب را ارایه می دهید و نمی خواهید مخاطبین اهل سوق و سازمان و درگیر موضوعات اجتماعی را درک می کنید. ۴. اصرار دارید لذت های خود را به دیگران بچشانید. اصلا درک درستی از روابط اجتماعی ندارید که اینگونه آسمانی حرف می زنید. ۵. اصلا می فهمید مخاطبین شما گرفتاری هایی دارند که با طرز فکر شما از درد خود دور می شوند و مخدر می گیرند. چرا آخوندی حرف می زنید. این چه غرور و جدایی است که ثمره قرآن و اهل بیت است. ۶. چرا فکر می کنید بقیه باید تلاش کنند تا حرف شما را بفهمند. از شما که سابقه اجرایی داشته اید خیلی انتظار می رفت تا تصویر درستی از مخلوقات غرب بدهید و تصویر درستی از کار درست در فضاهای سازمانی با این همه ظلم های سیستمی ارایه دهید. ۷. طرز تفکر شما در رابطه با رزق و علم و نورانیت و هدایت... حاکی از نوعی انجماد فکری شماست. ۸. بدتر از همه اینکه شما به جای اینکه سردار سلیمانی را درک کنید و رازش را بفهمید او را در قالبهای فکری و گفته های خود تفسیر می کنید. ۹. روزی خواهد آمد که مردانی در این سرزمین روشنگری خواهند کرد و مردم را نورانی و قدسی می کنند و گفته های شما را عملی می کنند. تعارفات را کنار گذاشته و مانند امام خمینی آزاد اند و خود را با رهبری تنها و محصور بین آخوندها و سردارها و انقلابیون ظاهری و دنیا دوست مقایسه نمی کنند. امیدم این است اگر اشتباهی و خطایی در گفتار داشتم خیلی روشن من را هدایت کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده چاره‌ی مشکلات را در فهم درست حضور تاریخی‌مان که با انقلاب اسلامی پیش آمده، می‌دانم و در این راستا وظیفه‌ی خود را تشخیص داده‌ام تا در مسیرهایی که امثال آقای امجد گرفتار شدند، گرفتار نشویم. موفق باشید